

# برجام، در دوران نور و ظلمت

امیرفیض- حقوقدان

این تحریر بمناسبت سالگرد درگذشت شاهنشاه آریامهرورضا شاه بزرگ تنظیم و تقدیم میگردد. مقصود از برجام سیرتحولات حقوقی فعالیت هسته ای در دوران شاهنشاه آریا مهر و دوران ظلمت کنونی است که به دابخش اختصاص خواهد یافت.

بخش نخست - زیرپاگذاشتن شرافت و اعتبار ملی ایران در مسیر برجام در دوران ظلمت.

بخش دوم- - سیر اجرائی برجام در دوران نور، و ظلمات کنونی.



## بخش یکم - شرافت و اعتبار ملی در برجام

یکی از موارد و ابزار آشنا برای مقایسه دو چیز و یا دو وضعیت مقایسه است. مقایسه کلید قضاوت عمومی نسبت به مسائل و اجسام و دیگر چیزهاست. مقایسه بجای حرکت در جهت استدلال و قیاس و رسیدن به حکم، حکم را از طریق ملاحظه و محسوسات نمایان میسازد و همین حکم مقایسه است که نیاز به حکم قضائی و یا فلسفی ناشی از استدلال و شواهد را منتفی میسازد و توده مردم هم از همین راه است که به نقش مقایسه عادت کرده و راضی میباشند.

تحریر حاضر مایل است از طریق حکم مقایسه یعنی بدون حضور در محضر شهود و ادله برپایه ملاحظات ناشیه از دوران فعالیت هسته ای قبل از شورش ۵۷ با دوران کنونی را در طبق مقایسه قرار دهد.

## واما بعد

جمهوری اسلامی (ظلمت) نسبت به برجام خوشبینی های زیادی کرده و آنرا مایه رفاه، سعادت و غرور ملت ایران دانسته و از آن بنام یک پیروزی بزرگ یاد میکند همینجا یک میدان مقایسه و قیاس باز میشود و آن این است که ۱۶۴ کشور از کشورهای جهان عضو سازمان بین المللی اتمی هستند که در سال ۱۹۵۳ تشکیل شده و ایران هم یکی از همان ۱۶۴ کشور بوده است.

آیا حتی یک صدم تضعیقات و محدودیت ها و بالاخره نظارت راستی آزمائی ۲۵ ساله که از سوی ۱+۵ در برجام تحمیل ایران شده است به آن کشورها شده است؟ مسلما خیر.

در میدان مقایسه مزبور کشور با کشور و یا کشورها مورد ارزیابی قرار میگیرد نه موقعیت کشور با خود کشور در زمان های مختلف این نوع مقایسه که وضع کشور و یا یک نوع فعالیت با گذشته مورد مقایسه قرار گیرد مقایسه با عامل زمان است فکر میکنم مثالی در این مورد بجاباشد.

## مثال تطبیقی

شخصی را در نظر آورید (در تشبیه ایران) که مانند همه افراد آزاد دیگر از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بطور آزاد بهره مند است (ایران پیش از شورش ۵۷ و یا لاقبل قبل از فعالیت محرمانه هسته ای) این شخص به اعتبار اتهاماتی درست یا نادرست به زندان محکوم میشود و براساس آن محکومیت، کلی از آزادیها از او سلب میشود (جمهوری اسلامی بعد از تحمیل تحریم های سازمان ملل) پس از گذشت مدتی در اثر مذاکرات و احتمالات، قضات موضوع (کشورهای ۱+۵) با تنظیم موافقت نامه ای (برجام) و تعهد اینکه آن زندانی دیگر کار خلاف نکند بخشی از محرومیت های زندانی لغو میشود؛ مثلا اجازه دریافت خوراک از بیرون زندان و یا داشتن کتاب و مجله و قدری پول به او داده میشود.

در این حالت است که به اعتبار زمان، برجام برای آن زندانی ایجاد دستاورد کرده و در تطبیق مورد میتوان گفت که برجام به بنیه اقتصادی و اجتماعی آن زندانی (ایران) کمک کرده و مقیاس این کمک، زمان قبل از برجام و بعد از برجام است ولی این مقایسه نمیتواند نسبت به کشورهای که مانند ایران عضو آژانس بین المللی اتمی هستند مبنا قرار گیرد.

**حاشیه =** گرچه آقای حمید بعیدی نژاد عضو ارشد تیم مذاکرات کننده هسته ای در همین سالگرد برجام گفت <به برجام نگاه اقتصادی نداشته باشید> پایان حاشیه.

## نتیجه مقایسه اول

در مقایسه ایران با سایر کشورهای عضو آژانس اتمی، ایران را در مقامی می بینیم که با خرج میلیارد ها دلار در راه فعالیت های هسته ای و تحمیل محرومیت های اقتصادی و سیاسی در موقعیتی افتاده که غیر قابل تصور بوده و هیچیک از کشورهای عضو آژانس به آن مصیبت ها گرفتار نشده اند و اکنون هم با تحمل همه آن مصیبت ها و تحمیلات سرنوشت فعالیت های هسته ای ایران نامعلوم و مبهم و درگرو اراده کشور آمریکا در پی فشار اسرائیل است.

برجام همه حقوق حقه ملت ایران را در حال توافق با جمهوری اسلامی گرفت و در عوض هیچ چیز نداد و ایکاش که چیزی نمیداد بلکه یک سند بی شرافتی ملت ایران هم از جمهوری اسلامی همراه با حق نظارت و بازرسی ۲۵ ساله ملت ایران را گرفت.

## خسارات ملت ایران

آقای مهران مصطفوی یکی از کارشناسان هسته ای ایران در مقاله تحقیقی مقایسه ای بین هزینه های جنگ عراق و فعالیت های هسته ای انجام و نوشته است:

> براساس گزارش نهاد های بین المللی ایران بین ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۱۱ میلیارد برای واردات نظامی هزینه کرده. هزینه غیرمستقیم ناشی از کاهش نفت و تولیدات کشاورزی و خرابی برای ایران نیز ۶۲۷ میلیارد دلار برآورد شده است.<

مهران مصطفوی در آن بررسی تحقیقی؛ هزینه تحمیل شده به ایران بابت پروژه اتمی رابیش از خسارات جنگ عراق میداند و اضافه کرده است حداقل هزینه ای که کارشناسان برآورد میکنند ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار بصورت هزینه مستقیم است. در کنار این، هزینه های غیرمستقیم باید فرارمغزها و عدم استخراج درمیدین نفتی و گاز مشترک و عدم فروش نفت و گاز را هم باید محاسبه و بررجم خسارت ایران افزود.

## مقام مقایسه

آیا هیچیک از کشورهای عضو آژانس بین المللی اتمی که امروز از صنعت هسته ای استفاده میکنند این هزینه های بریادرفته جمهوری اسلامی حتی اندکی از آنرا متحمل شده اند؟ البته که نشده اند- بنابراین مقیاس و پایه مقایسه ایران امروز باید با سیری باشد که کشورهای عضو آژانس به فعالیت های هسته ای رسیده اند، نه وضع امروز ایران با وضع دیروزی که برجام امضا نشده بود. که جمهوری اسلامی مدام به آن استناد میکند. آنهم تغییر وضعی که بقول خودشان روی کاغذ صورت گرفته نه در عمل.

## موقعیت شرافت ملی ایران

در امر مقایسه بین دوویاچند چیز معمولا جنبه های مادی آنها منظور و در محاسبه قرار میگیرد ولی مراتب مقایسه تنها جنبه های مادی نیست و مراتب معنوی آن گاه بسیار با اهمیت تراز مراتب مادی آن در جریان مقایسه است. اعلامیه جهانی حقوق بشرو منشور سازمان ملل دقیقا به مسئله شرافت ملی کشورها و برابری آنها صراحت قاطع دارد و این بدان معناست که در هر قرار و مدارای که مسئله شرافت ملی کشوری رعایت نشده باشد آن قرار داد نمیتواند مورد تانید جامعه حقوقی قرار گیرد و با یک نگاه اجمالی این نگاه را در مقابل خود می بینیم که متاسفانه در برجام هم موضوع قرارداد و هم سیر اجرایی آن کاملا شرافت ملی ایران را تحت الشعاع قرار داده است.

این تحریر با اقتدار کامل و صراحت مکمل اعلام میکند که در قرارداد برجامی که کشورهای ۱+۵ با جمهوری اسلامی امضا کرده و در این تحریر بنام دوران سیاه خوانده شده، شرافت ملی ایرانیان نه تنها پایمال و نادیده گرفته شده بلکه ملت تاریخی و کهن ایران از نظر شرافت ملی و اخلاق انسانی و موقعیت بین المللی در وضعی از نظرستی و حقارت و بی شرافتی معرفی شده است که در تاریخ بشریت هیچگونه سابقه نزدیکی ندارد.

در تاریخ کشورها حتی کشور خودمان موارد عدیده ای دیده میشود که روسای کشوری به ملت و کشور دیگری اهانت و تحقیر کرده و یا شرافت ملی آن ملت کشور را با حرف پایمال ساخته اند ولی هرگز، تکرار میشود هرگز؛ دیده نشده است که دولتی سندی را امضا کند که ماهیت آن تحقیر و پایمال کردن شرافت ملی و قبول حقارت و صفات رذیله برای ملتش باشد و این کاری است که جمهوری اسلامی در برجام با شرافت ملی ایرانیان کرده است. به مورد مزبور امعان نظر داشته باشیم.

## نگاه به موردی که کمتر نگاه شده است

یکی از مواردی که در برجام مقرر شده علاوه بر تخلیه و توقف فعالیت های هسته ای ایران در فردو برگردن محل آنها با بتن است.

کمتر دیده شده است که اهمیت این تحمیل بسیار استثنائی مورد نقد و بحث قرار گیرد و مفسرین و محققین برجام خیلی ساده بعنوان یک تعهد فنی از آن گذشته اند.

در حالیکه تحمیل مزبور، یک تحقیر و اهانت عملی به شرافت ملی و فرهنگ و اخلاق ایرانی است.

### توضیح اینک:

رابطه رفتار انسان ها با انسانها به ملاحظه اخلاق و شخصیت و شرافت آنهاست و اساسا رکن وجود اجتماعی شخصیت و شرافت و اخلاق انسانی است برخوردی که یک پلیس با یک متهم و لگردد و بد سابقه دارد مسلما با برخوردی که بایک آدم خوش سابقه و معروف دارد تفاوت دارد.

این تفاوت برخورد را در تمام شئون زندگی میتوان دید در همین روزها رضا ضراب متهم ایرانی مقیم ترکیه که در فساد مالی و تبانی با زعمای ترکیه شهرت یافته است و در آمریکا دستگیر شده، برای آزادی موقت از زندان آمریکا حاضر شد ۵۰ میلیون دلار ضمانت مالی بدهد ولی قاضی دادگاه به ملاحظه وضعیت اخلاقی او، با آزادی موقت او موافقت نکرد این نشان از رابطه شخصیت، شرافت و اخلاق شخص در برخورد های اجتماعی است.

در تمام قرارداد های بین کشورها وقتی یک کشور تعهد به اجرای عملی و یا خودداری از انجام عملی را مینماید همان تعهد کافی است زیرا طرف دیگر آن کشور قائل به شخصیت و شرافت ملی و اخلاق انسانی برای مردم آن کشور و در نهایت دولت آن کشور میباشد و همان تعهد به خودداری از عمل را کافی میداند همین عمل در قرارداد صلح پستد ام بین آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان رعایت شد.

ولی در مورد خودداری ایران از فعالیت های هسته ای فردو کشورهای ۱+۵ و اتحادیه اروپا تعهد ایران را به خودداری از فعالیت هسته ای - گزارش آژانس اتمی - تعهد مجلس و شورای نگهبان و سید علی راهم کافی ندانستند و خواستار برکردن محل فعالیت های هسته ای بوسیله بتن شدند.

معنای این تصمیم و اجرا تنها در نبود اعتبار شرافت ملی و قول و قرار و اخلاق انسانی ایرانیان خود نما میگردد که ایرانیان فاقد شرافت ملی و اخلاق و رفتار انسانی هستند قضاوتی که مورد تائید جمهوری اسلامی و شخص سید علی و مجلس هم قرار گرفته است.

قضاوتی که در جهان کاملا بیسابقه است و علاوه برآنکه هیچ ملیتی زیر بار این تحمیل نمیرود اساسا اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان هم آنرا محکوم کرده است.

قضاوتی که طرف آن ۶ کشور بزرگ جهان بعلاوه اتحادیه اروپاست و در واقع بی شرافتی ایران بصورت یک سنت و عهدنامه و اقرار همه کشورهای جهان درآمده است.

بر کردن با نتون یعنی چه

پرکردن محوطه ویاسردابها با بتون به این معناست که دیگر در هیچ زمانی آن محوطه ویاسرداب و یا چاه قابل بهره برداری نباشد و خالی کردن آن محوطه و یا سردابه و چاه از بتن نیاز به انفجار و از بین رفتن کلیه تاسیسات و اطراف و جوانب را خواهد داشت.

این تدبیر وقتی بکار میرود که لااقل یکطرف به بی شرافتی و تقلب و دروغ گوئی و ظاهر سازی معروف باشد والا این سفت کاری پرخرج و استثنائی چه لزومی دارد و یک تعهد میتواند همان کار بتن ریزی را بکند، کاری که متفقین در صلح پستام از آلمان ها خواستند که استحکامات خط زیگفرید را برچینند و متفقین تکلیف بتن ریزی را به آلمان ها تحمیل نکردند.

این تحریر قاطعانه عقیده دارد که تحمیل بتن ریزی در تاسیسات فردو از سوی خارجیان و قبول و اجرای آن از سوی جمهوری اسلامی یک تصدیق و گواهی بی شرافتی و بد اخلاقی و بی یرنسیبی ملت ایران است و ایرانیانی که قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی هستند شریک این خیانت تاریخی به ملت ایران خواهند بود.

### تالی فاسد تعهد بتن ریزی

اثرات حقوقی تعهد مزبور تنها در توجه به برجام محدود نمیشود؛ این امر یعنی منظور شدن سابقه پلید مردم ایران! در انجام تعهدات بین المللی که به امضای جمهوری اسلامی رسیده است متضمن دو دستاورد شوم است.

**\* \* \* دستاورد نخست شناسنامه صلاحیت اخلاقی و اعتبار و شرافت ملی ایرانیان است که بمناسبت شرط مزبور در برجام بسیار پست و ضعیف و غیر قابل اعتماد معرفی شده است و در نهایت به طرف قراردادهای آتی ملت ایران هشدار میدهد که با مردمی استثنائی از بدقولی و بد عهدی و بد اخلاقی روبرو هستند.**

دستاورد دوم شمول آن بر قاعده حقوق بین الملل و اصل کاملت الوداد است که اصل مزبور بر این پایه است که >وجود هر شرطی در معاهده بین دو کشور که متضمن امتیاز و یا حقوقی برای کشور طرف باشد؛ آن شرط و امتیاز بطور خودکار برای کشور هائی که در مقام تنظیم قرارداد با آن کشور قرار میگیرند بوجود خواهد آمد (حقوق بین الملل ترجمه قاسم زمانی چاپ سوم ۱۳۸۴).<sup>۱</sup>

تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی که از آن جمله ایران، متعهد هستند که مقررات دولت کاملت الوداد را نسبت به یکدیگر رعایت کنند این اصل از سال ۱۹۴۷ تاکنون برقرار است.

### دستاورد حقوقی این تحریر

از آنجا که اصل اعتماد و شرافت ملی کشورها نسبت به قراردادهای بین المللی در برجام نسبت به ایران منظور نگردیده و برعکس بالصراحه ایران به بی اعتمادی و بی شرافتی و دروغگوئی از سوی طرف برجام (جمهوری اسلامی) معرفی گردیده و....

<sup>۱</sup> - این شرط و اصل در تمامی قرارداد های دوران پهلوی و به ویژه قرارداد الجزیره که مربوط به مسئله مرزی بین عراق و ایران است بشدت مورد تاکید قرار گرفته و بکار گرفته شده است. ح-ک

از آنجا که برای ترک دروغگوئی و ایجاد اعتماد در کشورهای طرف ایران دربرجام، جمهوری اسلامی ۲۵ سال هم حق نظارت و راستی آزمائی به کشورهای جهان علیه ایران داده است، و در حقیقت فصل بی شرافتی و دروغگوئی ایرانیان را با ضمانت همراه ساخته است لذا....

همه این مراتب خفت آور که ذره ای از آن تحمیل هیچ کشوری درجهان نشده درشناسنامه حقوقی ایران بنابر اصل کاملت الوداد ثبت و مورد استفاده کشورهای طرفهای قرارداد ها در آینده خواهد بود.

### **ماهیت برجام و حقوق اساسی جمهوری اسلامی**

ماهیت برجام در رابطه با سلب شرافت ملی از ایرانیان با فقیه تشیع و قانون اساسی جمهوری اسلامی مابینتی ندارد زیرا سلب شرافت ملی نوعی سلب صلاحیت فرد در دخالت در امور است که باموقعیت حجری که همه ایرانیان متشیع دارند میخواند (این موضوع نیازه توضیح بیشتری دارد).

### **مقام مقایسه**

مقام مقایسه این تحریر عینی ونصی است نه استدلالی یعنی قضاوت شرافت و اعتبار ملی ایرانیان در دوران شاهنشاه ایران و دوران سپاه جمهوری اسلامی امری احساسی و عینی است. کسانی حد این احساس عینی را در احترام و اعتبار افراد ایرانی میدانند و آنرا معیار میگیرند که خارجیان اعتباری را که برای ایرانیان در دوران شاهنشاه ایران منظور میداشتند حالا نمیدانند آنها شاید ملتفت نباشند که جمهوری اسلامی با امضای برجام سند بی شرافتی، دروغگوئی و نامردی و سرکشی همه ایرانیان را صادر و بصورت عقد برجام با کشورهای بیگانه جهان مبادله کرده و عجب اینکه درک قبح هم نمیکند و نرا افتخاری عظیم میدانند.

بخش دوم به فرصت دیگر